

فصلنامه علمی «پژوهش انحرافات و مسائل اجتماعی»

شماره هشتم، تابستان ۱۴۰۲: ۱۳۴-۱۰۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۲۰

نوع مقاله: پژوهشی

تحلیل جامعه‌شناختی مؤلفه‌های فرهنگی ازدواج در توئیت‌های فارسی

زهره شیخ*

باقر ساروخانی**

خدیجه ذوالقدر***

چکیده

ازدواج، امری کلیدی در نهاد خانواده و به تبع آن ساختار اجتماعی جامعه است که در طول تاریخ با تغییر همراه بوده است. داشتن شناخت در این حوزه به سیاست‌گذاران کمک می‌کند تا ایده‌های اذهان جامعه را بشناسند، از نگرش‌ها آگاهی داشته باشند و متناسب با اوضاع جامعه، برنامه‌ریزی کنند. در این پژوهش، هدف، استخراج نگرش‌ها و مطالبات؛ و در نهایت تحلیل و بررسی مؤلفه‌های فرهنگی «ازدواج» بوده است. مؤلفه‌های فرهنگی به نگرش‌ها و ارزش‌ها و اولویت‌های ذهنی افراد در موضوع ازدواج می‌پردازد. روش تحقیق، تحلیل محتوای کیفی از نوع استقرایی و جامعه آماری، کاربران فارسی‌زبان شبکه X، شیوه نمونه‌گیری تمام‌شماری توئیت‌های مرتبط با ازدواج در نیمه دوم سال ۱۴۰۰ بوده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که نگرش افراد به موضوع ازدواج به نظریه روابط سیال باومن و نظریه شخصی‌سازی ساروخانی، نزدیک است. بررسی محتوای توئیت‌ها نشان می‌دهد که حفظ فردیت و قدرت انتخاب، اولویتی جدی برای کاربران داشته، آنها در

* دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی فرهنگی، واحد علوم تحقیقات تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
Sheikh.zahra84@gmail.com

** نویسنده مسئول: استاد گروه جامعه‌شناسی، واحد علوم تحقیقات تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
b.saroukhani@yahoo.com

*** استادیار گروه مطالعات زنان، واحد علوم تحقیقات تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
kzolghadr@srbiau.ac.ir



ساحت‌های مختلف زندگی مطابق سلیقه و شرایط و خواست شخصی تصمیم می‌گیرند و دیگر کلان‌روایتی بر افکار و تصمیم‌های افراد سایه‌گستر نیست. بدیهی است که این روابط سیال، ناامنی روانی برای افراد در پی دارد و فردگرایی تشدیدشده می‌تواند خانواده را از نهادی اجتماعی با کارکردهای عاطفی و تولید نسل و جامعه‌پذیری خارج کرده، سلامت جامعه را به خطر بیندازد.

واژه‌های کلیدی: ازدواج، خانواده، روابط سیال، تحلیل محتوای کیفی و شبکه اجتماعی X.

مقدمه

ازدواج در طول تاریخ با توجه به شرایط اجتماعی، زمانی و جغرافیایی، اشکال و انواع متعددی داشته، همچنان روند تغییر و تنوع آن ادامه دارد. در همه ادوار ازدواج در اشکال قومی یا گروهی تا تک‌همسری، به عنوان امری اجتماعی و کنشی در خدمت اجتماع و عنصر کلیدی در بقای جامعه و تولید نسل بوده، همیشه به عنوان ضرورتِ فرزندآوری، جایگاه ویژه‌ای داشته است.

در عصر مدرنیته و توجه به فرد بود که نگاه به ازدواج به عنوان امری شخصی و با رضایت و خواست او مطرح شده، کارکرد اجتماعی ازدواج کمرنگ گردید و دیگر امری طبیعی و ضروری برای بقای جامعه نبود. ازدواج در اختیار «فرد»، خواسته‌ها و منافع او قرار گرفت و کارکردش به برآوردن نیازها و جلب رضایت افراد تغییر کرد. حالا «فرد» بود که مشخص می‌کرد چه زمانی، چگونه و آیا اصلاً تمایلی به ازدواج دارد یا خیر.

در ازدواج، همچون بسیاری از مقوله‌های اجتماعی دیگر، دو عنصر اساسی در نوع تصمیم‌گیری و کنش افراد تأثیرگذارند: عوامل عینی و عوامل ذهنی. در دسته عوامل ذهنی، فرهنگ مؤلفه‌ای بسیار مهم است. فرهنگ، گستره‌ای به وسعت هنر، ادبیات، تاریخ، مذهب، محیط زندگی، تجربه‌های شخصی و آداب و سنن و ... است که افراد بر اساس آن، سبک زندگی، اعتقادات، انتخاب‌ها، گزینش و اولویت‌هایشان را تعریف می‌کنند. بررسی مؤلفه فرهنگی ازدواج، یعنی قرار است نگرش، بینش، ارزش‌ها، اولویت‌ها و دغدغه‌های ذهنی افراد نسبت به ازدواج مطالعه شود، تا در پایان بتوان تصویری روشن از نوع و زاویه نگاه فرهنگی به ازدواج در میان کاربران فارسی‌زبان شبکه ایکس استخراج کرد.

هر تغییر و تحول در امر ازدواج، به طور مستقیم تغییراتی را در خانواده، روابط والد-فرزندی، نگرش به فرزندآوری، تربیت فرزند و کنش نسل‌های بعدی به وجود خواهد آورد. از این‌رو مطالعه ازدواج از منظر تغییرات فرهنگی می‌تواند نگاهی آینده‌نگر نسبت به خانواده و وضعیت جامعه ایرانی در سال‌های آتی به محققان و سیاست‌گذاران فرهنگی ارائه دهد.

امروزه شبکه‌های اجتماعی که بر بستر تارگستر جهانی (اینترنت) ساخته شده‌اند، بخش بزرگی از تعاملات و مراودات انسان‌ها را با اجتماعشان ساخته‌اند. فضای مجازی به

یک ضرورت و چه‌بسا در بسیاری مواقع به تنها راه ارتباط تبدیل شده است. شبکه‌های ارتباطی متفاوتی در فضای مجازی وجود دارد؛ از جمله شبکه‌های ارتباطی فیس‌بوک، تلگرام، اینستاگرام، X (توییتر سابق) و

توییتر (۲۰۰۶) که در سال ۲۰۲۳ به X تغییر نام داد، یکی از پلت‌فرم‌های شبکه‌های اجتماعی است که برای تبادل و انتشار اطلاعات در میان افراد استفاده می‌شود و استقبال جهانی خوبی از آن شده است، به طوری که بستری را برای بیان نظرهای سیاست‌مداران تراز اول کشورها فراهم کرده است. کاربران می‌توانند پیام‌های خود را در محدوده ۱۴۰ کاراکتر با دیگران به اشتراک گذارند.

کاربران ایرانی نیز از این فضا برای گفت‌وگو و تبادل ایده و نظر استفاده می‌کنند. دلایل انتخاب پلتفرم X برای این پژوهش موارد زیر بوده است:

۱- متن محور بودن: معمولاً افرادی که اهل حرف زدن، نوشتن و خواندن هستند، در این فضا فعالیت می‌کنند. افراد در جمله‌هایی کوتاه، نظرها، حرف‌ها، نقدها، پیشنهادهای ... را ارائه می‌دهند.

۲- شایع بودن آن: به‌رغم فیلتر بودن X در ایران، این شبکه اجتماعی بسیار مورد استفاده مردم قرار گرفته است، از سیاست‌مداران تا فعالان فرهنگی و علمی و مردم عادی، اعم از زن و مرد، خانه‌دار، جوان، میان‌سال، شاغل و

۳- ویژگی گمنامی برخی افراد: این فضا همچون دیگر فضاهای مجازی قابلیت گمنام بودن را دارد و باعث می‌شود که افراد، آزادانه آنچه را در خانه‌ها می‌گذرد، توثیق کنند. خانه و خانواده در تاریخ ایران، اندرونی حساب می‌شده که دسترسی به اطلاعات دقیق و صحیح پیرامون آن، بسیار سخت و اگر با ارزش‌های حاکمیت موافق نباشد، چه‌بسا غیر ممکن است. اما در فضای گمنامی توییتر، افراد از زندگی خصوصی خود حرف می‌زنند و می‌توان جلوه‌های پنهان خانواده ایرانی کنونی را در این فضا یافت و به تصویری واقعی‌تر از مصاحبه‌های رسمی و آنچه در بطن جامعه می‌گذرد دست یافت. البته در این ویژگی، خطر غیر واقعی بودن هم وجود دارد که سعی می‌شود با جامعه آماری گسترده، این خطر را کاهش داد. شایان ذکر است که اتفاقاً افراد شناخته‌شده، مخاطبان بیشتری دارند و واکنش‌ها نسبت به توثیق آنها بیشتر است؛ اما مطلبی که باید درباره هویت

ناشناس گفته شود این است که معمولاً به مرور زمان غیر واقعی بودن از دل گفته‌ها و نوشته‌های فرد بر اساس تناقضات آشکار می‌شود.

اهمیت دیگر بررسی فضای مجازی، در قدرت تسری آن است؛ مراوده طولانی مدت و مواجهه با اندیشه‌های صاحب صفحه به مرور ذهن مخاطب را آماده پذیرش آن نوع تفکر و سبک زندگی می‌کند. اوث راجرز معتقد است که ارتباطات، عامل دگرگونی اجتماعی هستند؛ زیرا رسانه‌ها می‌توانند به سرعت بر گروه‌های مختلف جامعه اثرگذار باشند، عوامل زمانی و مکانی را برطرف کنند و امواج خود را به راحتی به همه نقاط دنیا بفرستند (افشانی و دیگران، ۱۳۹۸: ۱۲۰).

از این رو توجه این پژوهش به سمت محتوای تولیدشده در فضای X و اثرگذاری آن بر ذهن مخاطب معطوف شد. همان‌طور که جرج گربنر در «نظریه کاشت» عنوان می‌کند، مداومت در مواجهه با یک مقوله، منجر به پذیرش و قبول آن می‌شود. رویکرد کاشت، به رسانه‌های جمعی به عنوان عامل اجتماعی شدن می‌نگرد. اهمیت رسانه در خلق راه‌های مشترک، انتخاب و نگرستن به رویدادهاست. او این روش را کاشت انگاره‌های غالب می‌خواند. در واقع رسانه، گرایش به این دارد که روایت‌هایی یکسان و نسبتاً مورد وفاق از واقعیت اجتماعی ارائه دهد و مخاطبان خود را نیز سازگار (فرهنگ‌پذیری) با آن کند (باقری بنجار و یمینی بیدار، ۱۳۹۸: ۱۰۵). می‌توان گفت که در اثر مداومت و ارتباط مستمر، آن شیوه تفکر، درونی می‌شود و عادات و رفتارهایمان یا به قول بوردیو، عادت‌واره‌هایمان شکل می‌گیرد (ر.ک: بوردیو، ۱۳۹۸).

امروزه تعداد زیادی از مردم با اطلاعاتی که از رسانه‌ها می‌گیرند، عقایدشان را شکل می‌دهند و رفتارهایشان را بر اساس آن بنا می‌کنند. با توجه به اینکه ارتباطات مجازی، روزبه‌روز گسترده‌تر و شکل غالب‌تری از ارتباطات رودررو را ساخته، تبدیل به رسانه‌ای پر قدرت شده‌اند و می‌توانند تأثیرهایی بنیادین بر ارزش‌های افراد بگذارد، ضرورت انجام این پژوهش بیشتر شده تا بدانیم چه اطلاعاتی از رسانه‌های مجازی در باب خانواده در حال انتقال و همه‌گیر شدن است و چه الگوهای رفتاری قدیم یا جدیدی در حال بازسازی و گسترش است.

با توجه به مقدمه یادشده، در بیان مسئله می‌توان گفت که شناخت چپستی

محتوای توثیتهای کاربران فارسی‌زبان شبکه اجتماعی X درباره ازدواج و اینکه ارزش‌ها و بینش‌ها و اولویت‌ها و دغدغه‌های آنان در باب ازدواج چیست و آنها را در چه مقوله‌هایی می‌توان جای‌گذاری و با چه نظریه‌هایی می‌توان تبیین کرد، پرسش اصلی این پژوهش است.

هدف پژوهش نیز بررسی موضوعات مورد بحث در باب ازدواج و شناسایی اشکال رابطه‌های خارج از ازدواج رسمی، استخراج مقوله‌های اصلی و در نهایت تحلیل موضوعات کلیدی در ازدواج در نزد کاربران توییتر فارسی و استخراج نگرش‌ها و مطالبات آنان بوده است تا در نهایت بتوان گفتمان غالب درباره ازدواج را به همراه تحلیلی جامعه‌شناختی ارائه کرد.

پرسش‌های پژوهش

۱. موضوعات مورد بحث در باب ازدواج، نزد کاربران فارسی‌زبان شبکه X، چه موضوعاتی است؟
۲. چه اشکالی از رابطه (از شکل ازدواج رسمی ثبت‌شده تا...) را می‌توان در محتوای توثیتهای مشاهده کرد؟
۳. در موضوعات مورد بحث درباره ازدواج، مقوله‌های اصلی کدامند؟
۴. «گفتمان ازدواج» در شبکه اجتماعی X، بیشتر به چه نوع گفتمانی نزدیک است؟

پیشینه تجربی

کیان‌پور و همکاران (۱۴۰۲) در مقاله خود با عنوان «عوامل مرتبط با گرایش جوانان به تجرد» نتیجه گرفته‌اند که میان متغیرهایی چون دلبستگی به والدین، فردی بودن انتخاب همسر، انتظار آرمان‌گرایانه از ازدواج، داشتن تمکن مالی، اعتقاد به هزینه-فرصت ازدواج و معاشرت با جنس مخالف، ارتباط معنادار وجود دارد. انتخاب فردی از نظر او، در مقابل انتخاب خانواده یا مصلحت جمع، عنصر مهمی در نظر جوانان برای ازدواج است.

در پژوهش «تغییرات الگوی ازدواج و تأثیر آن بر طلاق قطعی»، شعبانی و همکاران

(۱۴۰۰) در نمونه‌های طلاق، شیوه‌های همسرگزینی را مطالعه کرده تا به الگوهای ازدواجی که احتمال طلاق در آنها بالاست، دست یابد. وی عنصر کلیدی در بقای ازدواج را مراقبت و اهمیت دادن به عشق و صمیمیت در روابط پس از ازدواج عنوان می‌کند. اکبرزاده (۱۳۹۹) در پایان‌نامه خویش با عنوان «تجربه عشق و تعهد در ازدواج سفید بر اساس نظریه مبنایی (مورد مطالعه: شهر اصفهان)» با روش کیفی و انجام ۲۲ مصاحبه نشان داد که عشق و تعهد در ازدواج سفید نه‌تنها مفاهیمی با معنای ثابت و مطلق نیستند، بلکه طی زمان و مکان و برحسب شرایط، تغییر یافته و معنایی وسیع، چندبعدی، نسبی و سیال دارند؛ به طوری که نمی‌توان این مفاهیم را در این سبک از زندگی، ذیل یک قاعده کلی ارزش‌گذاری کرد. وی، وجوه مشترک مفهوم عشق در ازدواج سفید را شامل «سیالیت»، «کیفیت»، «عمل‌گرایی»، «ایده‌آل‌گرایی»، «واقع‌گرایی»، «چندبعدی بودن عشق»، «آنی و لحظه‌ای بودن» یا «تدریجی و فرآیندی بودن عشق» بیان کرده و درباره «تعهد» در ازدواج سفید، انواع اخلاق متعارف تا اخلاق فراعرفی را شناسایی کرده است.

امیدوار (۱۳۹۸) در پایان‌نامه خود با عنوان «مطالعه جامعه‌شناختی پدیده همباشی»، این پدیده را از نگاه همباش‌ها، روحانیون و جامعه‌شناسان بررسی می‌کند. محقق علت تمایل همباش‌ها را به این سبک زندگی، در فاصله بین بلوغ جنسی و بلوغ اقتصادی، مهاجرت شغلی - تحصیلی، تجربه زندگی مجردی به عنوان شرایط زمینه‌ای، تغییر سبک زندگی، تقدس‌زدایی از ازدواج و... عنوان کرده است. از نظر روحانیون، عوامل دینی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و فردی، از جمله عوامل تأثیرگذار بر رشد پدیده همباشی است. از نظر جامعه‌شناسان نیز عوامل اجتماعی (فردگرایی، رشد عقلانیت، رشد مدرنیته، ضرورت اجتماعی و رشد کارکرد منفی خانواده)، عوامل فرهنگی (گمنامی، فقدان آموزش، شکل‌گیری رابطه سیال عاطفی، پذیرش دوستی دختر و پسر، سنت‌شکنی و جاذبه همباشی)، عوامل اقتصادی (مصرف‌گرایی، بی‌ثباتی اقتصادی و افزایش هزینه‌های زندگی) و عوامل فردی (رضایت از زندگی همباشی، ترس از طلاق و ویژگی شخصیتی متفاوت) به عنوان عوامل تأثیرگذار بر رشد پدیده همباشی است.

هاشمی گل‌مهر و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهش خود تلاش کرده‌اند تا الگوی ازدواج موفق را استخراج کند. یافته‌های پژوهش نشان داده که ایجاد یک ازدواج موفق در گرو شفاف‌سازی، احساس آزادی، پذیرش تفاوت‌های شخصیتی، کسب مهارت‌های ارتباطی، درک متقابل و گفت‌وگوی باز و بی‌پرده است.

رحیمی و رضایی (۱۳۹۶) در مقاله «مطالعه سیر تحول صمیمیت و روابط شخصی در خانواده ایرانی» به مطالعه روابط شخصی افراد و صمیمیت و عاطفه در روابط خانوادگی ایرانی از سه دهه گذشته پرداخته‌اند. یافته‌ها، افزایش فردگرایی در تعاملات شخصی افراد، افزایش صمیمیت به خارج از مرزهای خویشاوندی، افزایش صمیمیت در ارتباط با جنس مخالف و ارتباطات مجازی را تأیید کرده که موجب شکل‌گیری پیکربندی متفاوتی در خانواده ایرانی شده است.

آلندورف^۱ و همکاران (۲۰۲۳) در پژوهش خود به نیم قرن روند نگرش خانواده در ایالات متحده پرداخته‌اند؛ از جمله نگرش به جنسیت، ازدواج، فرزندآوری، زندگی مشترک، رابطه جنسی خارج از ازدواج، طلاق و روابط همجنس‌گرایان. این روندها از دریچه ایده‌آلیسم توسعه‌ای نگریده شده و در بازه ۱۹۶۰ تا ۲۰۱۸ بررسی شده است. نتایج تغییرات عمیق و عمدتاً ثابتی را در نگرش آمریکایی نشان می‌دهد. آمریکایی‌ها بیش از پیش ویژگی‌های خانوادگی را که مدت‌ها در ایده‌آلیسم توسعه‌یافته به عنوان مدرنیته شناخته می‌شد و همچنین ویژگی‌هایی را که اخیراً از طریق گسترش آزادی و برابری، مدرن تلقی می‌شوند، تأیید کردند. در حالی که آمریکایی‌ها بیش از پیش از آزادی همه افراد برای انتخاب از میان رفتارهای متنوع خانواده حمایت می‌کردند، در همان زمان، اکثریت قابل توجهی به ازدواج و فرزندان متعهد ماندند و همچنان به ازدواج و فرزندان در زندگی‌شان، مطلوب نگاه می‌کردند.

کوانساه^۲ و همکاران (۲۰۲۳) در پژوهش خود با عنوان «آیا زندگی مشترک، پیش‌نیاز ازدواج است؟» به بررسی نگرش‌ها و نیت بزرگسالان نوظهور غنا پرداخته و معتقدند از آنجایی که زندگی مشترک بیش از پیش به یک گزینه روابط برای بسیاری از بزرگسالان جوان تبدیل می‌شود، درک نگرش‌ها و اهدافی که تصمیم به زندگی

1. Allendorf
2. Quansahp

مشترک را تقویت می‌کند، مهم است. این پژوهش کیفی بوده، بر تعیین معنای زندگی مشترک برای آنها، اهمیتی که برای زندگی مشترک قائل هستند، ارزیابی آنها و اینکه آیا قصد زندگی مشترک دارند یا خیر، استوار است. با توجه به نگرش شرکت‌کنندگان، چهار مضمون از تجزیه و تحلیل داده‌ها احصا شد که شامل «معنای زندگی مشترک»، «اهمیت هم‌زیستی قبل از ازدواج برای موفقیت زناشویی»، «هم‌زیستی، دروازه‌ای برای تخلفات اخلاقی و نهادی» و «هم‌زیستی تا زمانی که برای آمادگی ازدواج» بودند. یافته‌ها همچنین تفاوت‌های جنسیتی قابل توجهی را در قصد زندگی مشترک نشان داد؛ هرچند توافق بین شرکت‌کنندگان این بود که قصد فرد برای زندگی مشترک به تجربه‌های شخصی و جانشینی فرد در محیط خود بستگی دارد.

دیفرین^۱ (۲۰۱۸) نیز در پژوهش خود با عنوان «وضعیت خانواده آمریکایی: پارادوکس چگونگی تغییر خانواده‌ها و ارزش‌های خانواده» به وضعیت خانواده آمریکایی می‌پردازد و می‌نویسد: خانواده‌ها و ارزش‌های خانواده به جهاتی در حال تغییر هستند، در حالی که ما در اعماق درونی خود، اساساً در خانواده‌هایمان یکسان می‌مانیم. الکساندرنا زایتسوا^۲ و همکاران (۲۰۲۱) در پژوهش خود با عنوان «دگرگونی ازدواج و ارزش‌های خانواده در جامعه مدرن روسیه» به تغییر ارزش‌های خانواده اشاره دارند و عواملی را برای آن برشمرده‌اند: رشد عقل‌گرایی، مادی‌گرایی و فردگرایی خودخواهانه در محیط جوانان. از نظر آنان مبانی ارزشی تعامل درون خانواده در حال تغییر است. جوانان به طور فزاینده‌ای با ملاحظات سود، آینده‌نگری، رقابت و سایر نگرش‌های عمل‌گرایانه رفتار می‌کنند.

گریگورویا و خاکیمووا^۳ (۲۰۲۱) در پژوهش «ویژگی‌های خاص سیستم ارزش‌های خانواده نسل Z» در یک تحلیل مقایسه‌ای نتیجه گرفته‌اند که نسل Z و نسل Y در حوزه ازدواج و فرزندپروری تفاوت داشته و در حوزه خویشاوندی شباهت دارند. معتقدند که نمایندگان نسل Z ایده زندگی مشترک را پذیرفته‌اند. گرچه تمایل به ازدواج نسبتاً

1. DeFrain

2. Aleksandrovna Zaitseva

3. Grigoryeva & Khakimova

دیر هنگام در زندگی دارند. آنها به یک نوع خانواده برابرگرا باور دارند و برای رضایت معنوی ارزش قائل هستند. در سلسله مراتب ارزش‌های زندگی خانوادگی، آنها بر رضایت معنوی، خودسازی، فردیت و تماس‌های اجتماعی فعال تمرکز داشته‌اند.

پیشینه پژوهش‌ها نشان می‌دهد که نوع نگرش به خانواده و ایجاد گفتمان‌های جدید، بیش از آنکه متأثر از شرایط مادی و اقتصادی باشد، ناشی از تغییر در نوع تفکر، جهان‌بینی و شرایط اجتماعی و در یک کلمه ناشی از تغییر فرهنگی بر زندگی بوده است. ظهور مدرنیته و در پی آن رشد فردیت، نگرش افراد نسبت به خانواده را تغییر داد. خانواده که با کنترل، تعهد و مسئولیت همراه بود، در نگاه جدید، محدودکننده فردیت فرد می‌شد. از این‌رو انسان مدرن تلاش کرد راهی برای حفظ فردیت خویش باز کند که نتیجه آن، ظهور اشکال متنوع ازدواج، مانند همباشی، ازدواج سفید، ارتباط راه دور و معاوضه‌گرایی است. مطالعات نشان می‌دهد که در ایران نیز اشکال متنوع خانواده در حال شکل‌گیری است و نسل‌های جدید، دیدگاه‌هایی متفاوت در تعریف خانواده دارند. نقش ارتباطات در فضای مجازی، در شکل‌گیری مناسبات جدید، اثرگذار است و در جامعه ایرانی نیز ارتباطات مجازی در حال تحول شیوه‌های ارتباطی و به تبع آن، تغییر نگرش‌ها نسبت به «رابطه»، «صمیمیت»، «تعهد» و «عشق» شده است که لازم است بیشتر شناسایی و رصد شود. با این وجود وویچیچوسکا در پژوهش خود ثابت می‌کند که به‌رغم نابسامانی‌هایی که یک خانواده معاصر تجربه می‌کند، همچنان منبع اصول و ارزش‌های نسل جوان، خانواده‌ها هستند (Wojciechowska, 2020: 144).

مبانی نظری

ارنست و برگس معتقدند که خانواده جدید را کمتر می‌توان «نهاد» نامید، بلکه افراد در ارتباطی متقابل، خانواده را می‌سازند. «اعضای خانواده با یکدیگر همکاری دارند، کشمکش‌ها را تحمل می‌کنند، با یکدیگر مصالحه و سازش می‌کنند و روی یکدیگر حساب می‌کنند. اعضا، زمینه تکامل خود را فراهم می‌کنند و به ایجاد درک و فهم رابطه زناشویی و خانواده اقدام می‌کنند. این درک کمتر از خارج به وسیله نقش‌های از پیش تعیین‌شده نهادی به وجود می‌آید، بلکه به وسیله مشارکت همسران و تمایلات و

جهت‌گیری‌های آنها مشخص می‌شود. رابطه اعضای خانواده جدید (زناشویی) به وسیله مفهوم همراهی و مصاحبت مشخص می‌شود. بدین معنی که یگانگی خانواده بر اقتدار و سنت متکی نیست، بلکه در نتیجه همبستگی کنش متقابل، تمایلات و تجربه مشترک بر اساس گرایش متقابل اعضای خانواده است» (Burgess-Locke, 1945: 333) به نقل از: هوپی‌نینگ و کونیتسکا، ۱۳۹۸: ۲۲).

گیدنز، مقوله «عشق» برای ازدواج را مقوله‌ای متأخر می‌داند. به نظر وی در تاریخ خانواده، افراد کمی زندگی خانوادگی خود را بر اساس عشق پایه‌ریزی کرده‌اند و بیشتر نگاه مصلحتی و مادی در انتخاب زوج مسلط بوده است. در دوره مدرن عشق با رابطه جنسی همراه شد و به عنوان مبنایی برای ازدواج قرار گرفت. گیدنز از اصطلاح «خانوار» به جای خانواده (به معنای زن و شوهر و فرزند) استفاده می‌کند. تنوع زوجیت باعث به وجود آمدن اشکال متنوعی از خانواده شده که مبنای روابط آنها، «صمیمیت» بوده است. صمیمیت اشاره به رابطه عاطفی صادقانه‌ای است که موجب تثبیت «رابطه خوب و منطقی» می‌شود. رابطه خوب، رابطه‌ای برابر است که طرفین، حقوق و تعهدات برابر دارند. در این رابطه، مطلوب هر کس محترم است و بهترین آرزوها را برای دیگری دارد. گفت‌وگو و صحبت، پایه و اساس رابطه است. انسان‌های مدرن معمولاً معتقدند که رابطه‌ای، بهترین رابطه است که چیزی را از هم پنهان نکنند و در نتیجه اعتماد متقابل وجود داشته باشد. اعتماد باید پدید بیاید و نمی‌توان آن را بدیهی گرفت. سرانجام رابطه خوب، رابطه‌ای است فارغ از قدرت مستبدانه و زور و خشونت (گیدنز و ساتن، ۱۳۹۴: ۷۴۲).

برناردز (۱۳۸۴)، جایگزینی صمیمیت به جای ازدواج را می‌پذیرد که موجب به وجود آمدن اشکال متنوعی از روابط یا خانواده‌ها شده است. از نظر برناردز هرچند اشکال متفاوتی از صمیمیت به وجود آمده، «ازدواج» هنوز در جامعه، امری ارزشمند است و تبدیل رابطه همباشی به ازدواج رسمی، نقطه عطفی در زندگی فرد به حساب می‌آید (ر.ک: برناردز، ۱۳۸۴).

باومن از جمله افرادی است که در نظریه روابط سیال خود، شرح مفصلی درباره روابط در دنیای پست‌مدرن ارائه می‌دهد. وی، تعبیر «سیال» را در مقابل تعبیر «جامد» انتخاب کرده است. عصر مدرنیته به واسطه نظم سرسختانه و حساب و کتاب‌های

عقلانیت ابزار، «جامد» خوانده شده و عصر پست‌مدرن به خاطر تنوع، تکثر و تغییرات سریع، «سیال» نامیده شده است. او معتقد است که ماهیت روابط افراد تغییر کرده و به جای اینکه به «ایجاد ارتباط» و «روابط^۱» فکر کنند، از «پیوند داشتن^۲» سخن می‌گویند و به جای «شریکان^۳» از «شبکه‌ها^۴» حرف می‌زنند؛ زیرا در رابطه، مسئولیت نسبت به طرف مقابل وجود دارد، اما پیوند، لحظه‌ای می‌تواند باشد و لحظه‌ای بعد گسسته شود.

ساروخانی در کتاب خود در تعریف ازدواج، آن را پدیده‌ای مطلق و فارغ از بستر زمان و مکان نمی‌داند و معتقد است که ازدواج در هر جامعه و در هر زمان، چهره‌ای خاص دارد و با جامعه نیز دگرگون می‌شود (ساروخانی، ۱۳۹۸: ۲۵). این موضوع درباره جامعه ایرانی نیز صدق می‌کند. جامعه ما همچون سایر جوامع تحت تأثیر دگرگونی‌های ذهنی و مادی جهان قرار دارد و این تأثیر در بخش‌های مختلف جامعه دیده می‌شود؛ از جمله در تغییر نگرش و ارزش درباره ازدواج رسمی.

در طول تاریخ، اشکال گوناگونی برای ازدواج بوده است. مثلاً در نظام‌های قبیله‌ای که جنگاوری، توانمندی مرد را نسبت به دیگر رقبا به رخ می‌کشید، «ازدواج ربایشی» شایع بوده است. در اسلام، ازدواج موقت یا صیغه مرسوم بوده است. «ازدواج مبادله‌ای»، نوعی دیگر از ازدواج بوده که مثلاً به قبیله دیگر یا سرزمین دیگر برای حفظ روابط اجتماعی و گسترش دادن آن، دختر داده می‌شده است (ر.ک: همان، ۱۳۹۸). در برخی موارد، گزینش همسر از طریق والدین یا بزرگترها و معمولاً بدون حضور و یا نظارت طرفین صورت می‌پذیرد. بنابراین ازدواجی بوده غیر مستقیم یا با واسطه. با ظهور مدرنیته و رشد فردگرایی، نوعی از ازدواج پا گرفته که مشروعیت خویش را از طرفین رابطه می‌گیرد و نه قانون و هنجار. زوج، تشریفات عرفی و قانونی را رعایت نمی‌کنند و حتی قصد ازدواج هم از جانب طرفین مطرح نمی‌شود که معمولاً به نام همباشی، هم‌خانگی و در ایران به «ازدواج سفید» شهرت دارد. در نظر ساروخانی، زندگی امروز، ترکیبی است از بی‌نهایت انتخاب. انسان‌ها مدام در میان گزینه‌های متعدد، در حال

1. relationships
2. being connected
3. partners
4. networks

انتخابند. هر موقعیت، متناسب با احوال و شرایط فرد، انتخابی خاص را ایجاب می‌کند. از این‌رو نمی‌توان از خط فکری واحدی حرف زد. بنابراین به نظر می‌رسد که در جامعه کنونی، تعدد دیدگاه در هر شخصی وجود دارد و دیدگاه‌های متفاوت، انتخاب‌های متفاوت در پی دارند. از این‌رو ممکن است شخصی در فرزندآوری، نگاه مدرن داشته باشد، اما در نوع ازدواج، نگاه کلاسیک یا... در مقیاس بزرگ‌تر، یعنی جامعه هم چنین است. تمام خط فکری‌ها وجود دارند؛ نمی‌توان از مرگ یکی و تاریخ انقضای دیگری صحبت کرد. همه تفکرها همزمان در جامعه جاری هستند.

چارچوب مفهومی

چارچوب مفهومی این پژوهش بر نظریه «روابط سیال» باومن و نظریه «شخصی شدن» ساروخانی استوار است. باومن معتقد است که در دنیای امروز، رابطه‌ها نیز به شکل کالای مصرفی درآمده‌اند و از ویژگی‌های فرهنگ مصرفی تبعیت می‌کنند؛ یعنی «محصولات حاضر آماده، تورگ‌زنی‌های سریع، نتایج آسان‌یاب، ارضای فوری، دستورات عمل‌ها و نسخه‌های مطمئن و بی‌خطا، بیمه تمام خطرها و ضمانت پس گرفتن کالای فروخته‌شده» (باومن، ۱۳۸۴: ۴۲). این ویژگی‌ها، رابطه‌ها را به شدت ناپایدار کرده و حس ناامنی را ایجاد می‌کنند. او به پارادوکس حفظ فردیت، ارتباطات بدون تعهد و سست و نیاز به امنیت - که نیازمند وحدت مودت و تعهد است - در انسان معاصر اشاره می‌کند که فشارهای زیادی را بر او وارد می‌کنند. نظریه ساروخانی نیز که بسیار به نظریه‌های پست‌مدرن نزدیک است، بر انتخاب و تصمیم شخصی در ساحت‌های مختلف زندگی اشاره دارد. به باور وی، ازدواج در دوران جدید نه امری ثابت، بلکه متغیر است که افراد بنا به شرایط، علایق و موقعیت خویش، مسیر اختصاصی خود را انتخاب می‌کنند. وی در نظریه شخصی شدن بر این امر تأکید می‌کند که دیگر نمی‌توان برای ازدواج کلان، روایت داشت. انسان امروز با توجه به نوع شخصیت، نیاز، بستر و شرایط زندگی، احوالات مختلفی را برای زندگی مشترک و نوع انتخابش برمی‌گزیند. امروزه انواع هم‌زیستی‌های مشترک در قالب همباشی، دوستی و... در جامعه جریان دارد و هر کس انتخاب خویش را سرلوحه عمل خودش قرار داده است.

روش پژوهش

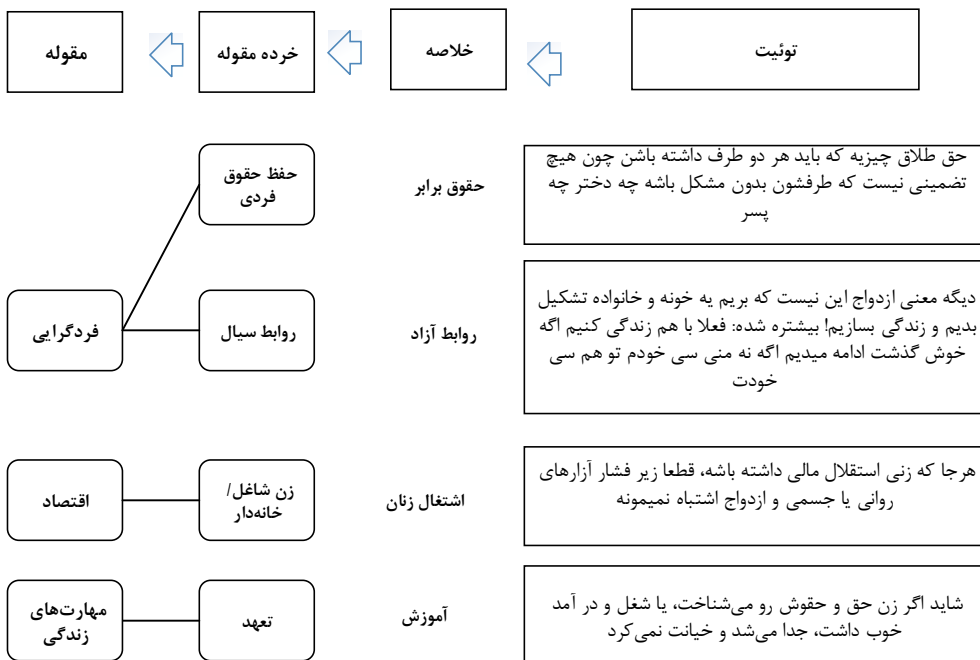
روش مورد استفاده در این پژوهش، تحلیل محتوای کیفی بوده است. این نوع تحلیل بر تفسیر استوار است و برای بررسی داده‌های متنی، کاربرد زیادی دارد. این روش کمک می‌کند تا محقق به معنای فراسوی واژه‌ها و محتوای بیشتری از متون عینی دست یافته، درک و معانی تازه‌ای از پدیده‌ها را کشف کند و در نهایت بتواند الگوهایی آشکار یا پنهان را ترسیم نماید. بر اساس نظریه شی‌یه و شانون می‌توان رهیافت‌های موجود در زمینه تحلیل محتوای کیفی را به سه دسته تحلیل محتوای عرفی، تحلیل محتوای جهت‌دار و تحلیل محتوای تلخیصی تقسیم کرد.

در این پژوهش از روش تحلیل محتوای عرفی استفاده شده است. «تحلیل محتوای عرفی معمولاً در طرحی مطالعاتی به کار می‌رود که هدف آن، شرح یک پدیده است. این نوع طرح اغلب هنگامی مناسب است که نظریه‌های موجود یا ادبیات تحقیق درباره پدیده مورد مطالعه محدود باشد. در این حالت، پژوهشگران از به کار گرفتن مقوله‌های پیش‌پنداشته می‌پرهیزند و در عوض ترتیبی می‌دهند که مقوله‌ها از داده‌ها ناشی شوند. بنابراین از طریق استقراء، مقوله‌ها از داده‌ها ظهور می‌یابند. این حالت را مایرینگ، «مقوله استقرایی» نامیده است... در این حالت، تحلیل داده‌ها با خواندن آنها به صورت مکرر آغاز می‌شود تا درک کامل درباره آنها به دست آید. محقق بر اساس ادراک و فهم خود از متن مورد مطالعه، نوشتن تحلیل اولیه را می‌آغازد و این کار ادامه می‌یابد تا پیش‌زمینه‌هایی برای ظهور رمزها آغاز شود. این عمل اغلب موجب می‌شود که طرح‌ریزی رمزها از متن ظهور یابد و سپس بر اساس شباهت‌ها و تفاوت‌هایشان، مقوله‌بندی شوند. این مقوله‌بندی از سازمان‌دهی و گروه‌بندی کردن رمزها به صورت خوشه‌های معنادار دسته‌بندی می‌شود... نمودار درختی می‌تواند برای سازمان‌دهی کردن این مقوله‌ها به صورت یک ساختار سلسله‌مراتبی استفاده شود» (ایمان و نوشادی، ۱۳۹۰: ۲۳-۲۴).

جامعه آماری مورد مطالعه در این پژوهش، تمام توییت‌های فارسی مرتبط با ازدواج در نیمه دوم سال ۱۴۰۰ و شیوه نمونه‌گیری، تمام‌شماری بوده است. برای استخراج توییت‌های مرتبط، ابتدا در طرح پایلوت، نمونه‌گیری اولیه به صورت دستی انجام شد و از ۶۰۰ توییت مرتبط با ازدواج، تعداد ۱۵۰ کلیدواژه استخراج گردید. سپس با استفاده از ماشین لرنینگ، حدود ۱۸۰۰ توییت مرتبط شناسایی شد. برای پاک‌سازی توییت‌ها،

سه دسته به شرح زیر تعریف شد تا با ماشین لرنینگ، عمل پاک‌سازی صورت پذیرد: ۱- کاراکترهای نامفهوم مانند HTML code - meta data - markup، کدهای غیر متنی و... ۲- هرزنامه‌ها، لینک‌ها، توئیت‌های زیر پنج کلمه، کلمات نامفهوم، کلمات تکراری و... ۳- متون و محتوای فاقد ارزش بررسی و یا فاقد بار معنایی برای تحلیل پس از پاک‌سازی مرحله اول، تک تک توئیت‌ها خوانده شد و آنهایی که مناسب تحلیل بوده، حفظ، مابقی را حذف گردید. در نهایت ۹۱۹ توئیت برای تحلیل باقی ماند.

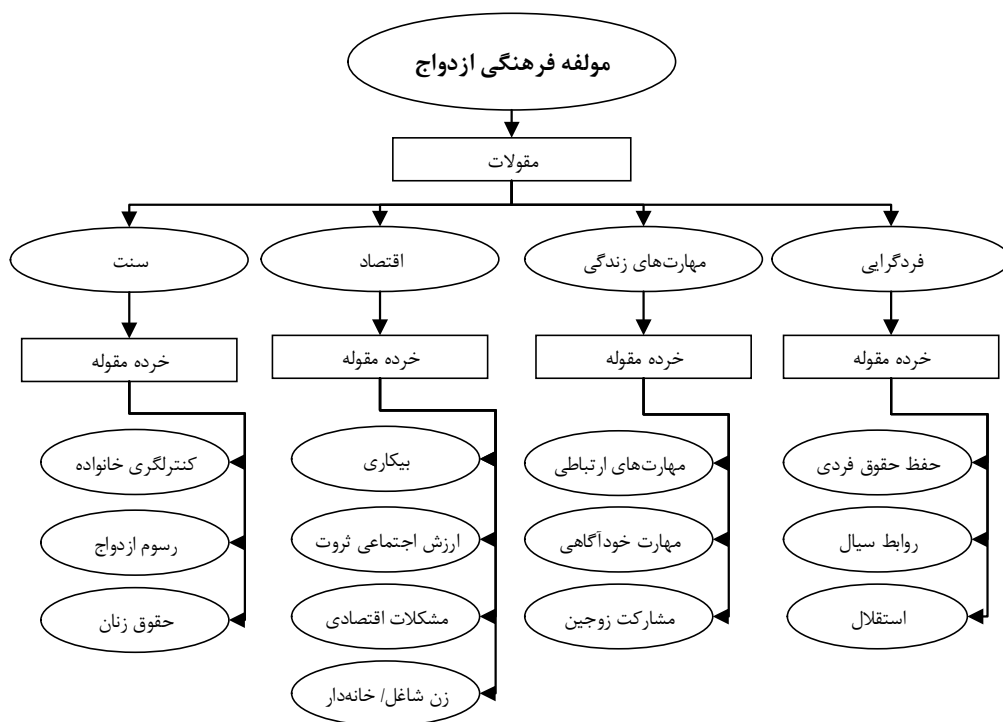
در مرحله دوم، توئیت‌های مرتبط بررسی و از هر یک خلاصه‌ای تک‌کلمه‌ای تهیه شد. خلاصه‌های مرتبط در یک دسته قرار گرفت و یک مفهوم کلیدی (یا خرده مقوله) برایشان تعیین شد. در مرحله سوم، از تحلیل و بررسی و کنار هم گذاشتن خرده‌مقوله‌های مرتبط، مقوله‌ها استخراج شد. شایان ذکر است که این فرایند به شکل الکلنگی مدام در روند پژوهش تکرار می‌شد. تصویر شماره (۱)، نمونه‌ای از فرایند تحلیل محتوای کیفی را با ذکر چند توئیت، خلاصه، خرده‌مقوله و مقوله نشان می‌دهد.



شکل ۱- نمونه‌ای از انجام تحلیل محتوای کیفی با رویکرد استقرایی

به روش استقرا، پس از خواندن تک تک توئیت‌ها و خلاصه کردن آنها، خلاصه‌های مرتبط در دسته‌های کوچک‌تر با عنوان مفاهیم کلیدی قرار گرفت. سپس مفاهیم مرتبط با هم در یک عنوان «خرده‌مقوله» قرار گرفت و تمام توئیت‌ها در دوازده خرده‌مقوله تعریف شد. سپس برای ساختن مقوله‌های اصلی، خرده‌مقوله‌های مرتبط با هم در یک دسته‌بندی قرار گرفتند (این روند خطی نیست و پژوهشگر مدام بین داده و ساختن مقوله در رفت و برگشت بوده است).

در نهایت چهار مقوله اصلی با نام‌های فردگرایی (۳۴۱ توئیت)، مهارت‌های زندگی (۲۱۱ توئیت)، اقتصاد (۱۹۷ توئیت) و سنت (۱۷۰ توئیت) شناسایی شد که می‌توان نتیجه روند تحلیل محتوای کیفی را در نمودار درختی زیر (شکل ۲) مشاهده کرد.



شکل ۲- استخراج مقولات اصلی از تحلیل محتوای توئیت‌های فارسی

مقوله فردگرایی

فردگرایی بر ارزش «فرد» به عنوان یک انسان صاحب اختیار و نظر تأکید می‌کند. در این بینش، اولویت با حریم خصوصی فیزیکی و روانی و عقیده فردی و دیگر حقوق اساسی او است. فردگرایان، اعمال اهداف و خواسته‌های شخص را ترویج می‌کنند و بنابراین برای استقلال و اتکای به نفس ارزش قائل می‌شوند و از این دفاع می‌کنند که منافع فرد باید نسبت به حکومت یا یک گروه اجتماعی یا حتی در رابطه‌های فی‌مابینی در اولویت باشد و در عین حال با دخالت خارجی در امور شخصی توسط جامعه یا نهادهایی چون دولت مخالفت می‌کنند. در توثیتهای مورد بررسی، سه خرده‌مقوله حفظ حقوق فردی، روابط سیال و استقلال، در اصل «فردگرایی» و «حفظ فردیت» اشتراک داشتند. از این‌رو این خرده‌مقوله‌ها در یک مقوله با عنوان «مقوله فردگرایی» قرار گرفتند (جدول ۱).

در محتوای توثیتهای و مکالمات بین کاربران در مقوله ازدواج، در بخش زیادی، نگرانی بابت تعهدات قانونی و شرعی ازدواج بود. اینکه حقوق فردی آنان و آزادی عملشان به واسطه ازدواج رسمی به خطر می‌افتد و زن و مرد باید در ازدواج حقوق برابر داشته باشند. در این توثیتهای، گفت‌وگو درباره ازدواج با طرح مباحثی درباره مهریه و نفقه و حق طلاق و حضانت و خروج از کشور و... پیوند داشت. این موانع قانونی و عرفی، مقوله ازدواج را تبدیل به قراردادی کرده که باید منافع دوطرف برآورده شود، ضمن آنکه برای کارکردهای عاطفی و جنسی ازدواج، امروزه گزینه‌هایی مانند دوست دختر/ پسر، پارتنر، هم‌خانگی یا ازدواج سفید، صیغه و... وجود دارد که در پژوهش حاضر، برای توصیف این دست روابط، از اصطلاح «روابط سیال» (ر.ک: باومن، ۱۳۸۴) استفاده شده است. ویژگی اصلی روابط سیال در عدم تعهد قانونی، شرعی و حتی عرفی زوجین نسبت به یکدیگر است.

- مهریه نمی‌گیرم به شرطی که آقایون هم حق طلاق و حضانت اولاد را به خانم‌ها بدن و تا ابد الدهر تو دادگاه‌ها ندوانند و نگن وقتی طلاق می‌دیم که موهات مثل دندونات سفید بشه؛ باید زجر بکشی و دنبالم بدویی.
- رابطه‌ی قرارداد اجتماعی است. نقطه معامله حساب می‌شه. معامله

می‌تونه مادی، احساسی، اقتصادی، حتی جنسی باشه، اوکی؟
 - من ۱۸ سالگی مستقل شدم. از خانواده جدا شدم و شهرمم عوض کردم
 و الان ۲۴ سالمه و به جرأت می‌تونم بگم این ۵ سال از من آدم قوی‌تر و
 بهتری ساخت.

- با قوانین فعلی ازدواج موافق نیستم و باید اصلاح بشه. یکی از دلایل روی
 آوردن به ازدواج سفید و عدم پذیرش مسئولیت‌های خانواده و ازدواج،
 زیادی سنگین کردن همین قوانین هست.

- اول بگم که مهریه خود من ۱۴ سکه است که گارد نگیرید؛ اما وقتی با
 عقد قرارداد ازدواج، زن همه حقوق اجتماعی و شخصیش از قبیل سفر،
 کار، تحصیل، انتخاب محل زندگی، حضانت فرزند، حتی خروج از خونه
 برای ملاقات با والدینش رو از دست می‌ده، چکار باید کرد. مهریه تبدیل
 می‌شه به یه ابزار برای داشتن این حق‌ها.

جدول ۱- مقوله فردگرایی

مفهوم کلیدی	تعداد توئیت	خرده مقوله‌ها	مقوله اصلی
حق طلاق، مهریه، حق خروج از کشور، چندهمسری، قانون ارث، ازدواج دوم، حضانت فرزندان	۱۶۹	حفظ حقوق فردی	فردگرایی
دوست دختر/ پسر، زندگی بدون تعهد، امکان جدایی آسان، نبود امکانات ازدواج، تنهایی، لذت‌گرایی، نیاز به سکس، شناخت، توجه به زمان حال	۱۳۱	روابط سیال	
زندگی مجردی، استقلال مالی، استقلال نظر در سبک زندگی، قدرت انتخاب، آزادی انتخاب	۴۱	استقلال	

مقوله مهارت‌های زندگی

مهارت‌های زندگی به مجموعه‌ای از توانمندی‌ها و آموزش‌های روانی و اجتماعی گفته
 می‌شود که به واسطه آنها بتوان در شرایط روان‌شناختی مختلف، رفتار درست داشت و
 آنطور که لازم است از خود مراقبت و هیجانات را کنترل کرد. مهارت‌های زندگی عموماً در

سه محور کلی تعریف شده است: خودآگاهی، ارتباط با دیگران و توسعه فردی. در محتوای توئیت‌ها به ندرت از لفظ مهارت‌های زندگی صحبت شده بود، اما در محتوای کلام و ابراز نیاز و خواسته از ازدواج و بقای آن، شاخص‌هایی ذکر شده بود که در نهایت با مطالعه و مصاحبه با متخصصان و روان‌شناسان، این مقوله، «مهارت‌های زندگی» نامیده شد. جدول (۲)، خرده‌عناصر مقوله مهارت‌های زندگی را نشان می‌دهد. آنچه با عنوان «مهارت‌های ارتباطی» آورده شده، مربوط به خواسته و نیازهایی است که فرد در رابطه با دیگری در هر نوع رابطه‌ای (رسمی و غیر رسمی) به آنها توجه داشته و در شکل‌گیری، حفظ و استمرار درست یک رابطه، آنها را اثرگذار می‌داند. در «مهارت خودآگاهی»، کاربران به موضوعاتی درباره آموزش فردی خود در مقوله ازدواج پرداخته بودند. آنها ازدواج را نه امری طبیعی، که به‌مثابه یک پروژه می‌دانستند که باید مهارت‌های لازم برای آن کسب کرد. مشارکت زوجین در تمام عرصه‌های زندگی مشترک از موضوعات مورد گفت‌وگو بین کاربران بود.

- رابطه بر اساس احترام و هواداری متقابل جلو میره.

- نمیدونما این نظر منه، ولی ۹۹ درصد مردایی که دیدم، باطنشون یه پسرپچه چهارساله‌ایه که دوست داره همه نگاه کنن و حسوده خیلی وقتا. یه وقتیایی یه حالتهاییشونو دیدم که باورم نمیشه این آدم ۴۰، ۵۰ سالشه.
- من اگر بخوام یه روزی ازدواج کنم، قطعاً روزیه که انقدر به خودم و پختگیم ایمان دارم که حاضر شدم مسئولیت یه زندگی دو نفره رو به عهده بگیرم.

- می‌دونستید تنها مورد استفاده دختر و پسر از همدیگه، رابطه جنسی نیست و میتونن رفاقت‌های قشنگی با هم داشته باشن...

- این هنر شماسه که دروغگو رو تشخیص بدی و وارد رابطه نشی و تا زمانی به این حد از شعور نرسیدی، رابطه رو جدی نگیری.

- برای هیچ‌کس بازیچه نباشید. نزارید آدما بهتون هر حسی که دلشون میخواد، بدن.

جدول ۲- مقوله مهارت‌های زندگی

مفاهیم کلیدی	تعداد توئیت	خرده- مقوله‌ها	مقوله اصلی
عشق‌ورزی، توان گفت‌وگو، حل مسئله، هنر شنیدن، مرزبندی، صمیمیت، همدلی، صداقت، آرامش، تعهد	۱۱۷	مهارت‌های ارتباطی	مهارت‌های زندگی
بلوغ عاطفی و روانی، عزت نفس، اعتماد به نفس، کسب آموزش برای زندگی متأهلی	۵۵	خودآگاهی	
مشارکت در امور فرزنداناری، خانه‌داری و مشارکت در درآمد خانواده	۳۹	مشارکت زوجین	

مقوله اقتصاد

مقوله دیگری که در بین مکالمات مربوط به ازدواج استخراج شد، اقتصاد بوده است (جدول ۳). کاربران از عواملی چون تورم، بیکاری، نگرانی از آینده و... به عنوان عوامل بازدارنده در ازدواج یاد کرده بودند. نوع نگرش به موضوع اقتصاد در ازدواج، قابل تأمل است. توجه به داشتن پول از راه‌هایی غیر از تلاش شخصی و از بستر کار، نشان از تغییر نگرش به موضوع ثروت است. پیش از این افراد، ثروت را نتیجه انباشت درآمد می‌دانستند و درآمد، نتیجه شغل یا فعالیت آنان بود و حتی تکیه به ثروت پدر و مادر و اطرافیان برای شخصیت افراد، نکته خوبی نبود. اما در نسل‌های جدید، رسیدن به ثروت از راه‌های ساده و ارزان، نوعی زرنگی و موفقیت به شمار می‌آید که می‌توان این تغییر نگرش را به جهان مصرف‌گرایی سرمایه‌داری نسبت داد. جهانی که مدام پول و ثروت و خریدن کالاهای بی‌شمار و رفاهیات تجملی را تبلیغ و تبدیل به ضرورت زندگی می‌کند و داشتن آنها را با حس خوشبختی افراد گره می‌زند.

- اشتغال رو زبونه مردونه‌اش نکنید لطفاً. اقتصاد بنیان خانواده‌اس.

- زندگی خیلی سخت شده و کسی ازدواج نمی‌کنه.

- میگن چرا ازدواج نمی‌کنی. ریشه همه مشکلات در نابسامانی اوضاع

مملکت و اهم همشون، وضعیت اقتصادی.

- آدم باشخصیت پولدار می‌خوام.
- ته همه این درس خوندنا و ک... کلک بازی اینه که پول در بیاری.
- می‌تونی با مدرک دکتری، کلی حرف دهن پرکن و قلمبه سلمبه بزنی و پولدار باشی. می‌تونی بدون همه این ک... شرا پولدار باشی. مهم اینه که تهش بتونی پول دربیاری.

جدول ۳- مقوله اقتصاد

مفاهیم کلیدی	تعداد توئیت	خرده مقوله‌ها	مقوله اصلی
نبود بسترهای شغلی، باز نبودن فضای کاری متناسب با نوع تحصیلات، کار پاره‌وقت، نبود امنیت شغلی	۶۴	بیکاری	اقتصاد
ارزش اجتماعی پولدار بودن، بچه پولدار، شوهر/ زن پولدار، شوگرددی/ مامی	۶۰	پولداری	
تورم، پایین آمدن قدرت خرید، مصرف‌گرایی، بی‌ثباتی اقتصادی، نگرانی از آینده	۵۰	مشکلات اقتصادی	
درآمد زن شاغل، زن خانه‌دار و مشارکت اقتصادی، تعاملات اقتصادی زوجین	۲۳	زن شاغل/ خانه‌دار	

مقوله سنت

آخرین مقوله‌ای که در ارتباط با ازدواج در تحلیل توئیت‌های کاربران فارسی‌زبان شناسایی شد و زیر عنوان «سنت» دسته‌بندی گردید، مربوط به آداب و رسوم و عرف و محدودیت‌های جامعه در موضوع ازدواج بود. مقوله سنت از سه خرده‌عنصر کنترل‌گری خانواده، رسوم ازدواج و حقوق زن تشکیل شده است (جدول ۴). در توئیت‌های درباره ازدواج، موضوعی که زیاد به چشم می‌خورد، تقبیح رفتارهای دخالت‌گرانه خانواده و اجتماع در امور مربوط به ازدواج و ناکارآمد بودن آنهاست. انتقاد اصلی آن است که سنت‌ها، فرد را از آزادی و نظر شخصی‌اش، دور و قدرت انتخاب او را محدود می‌کنند. در حالی که فردیت و رأی و نظر فردی، مهم‌ترین خواسته زندگی امروز است، در مقابل

مشخصه اصلی سنت، اولویت دادن به اجتماع و نظر جمعی به خواسته‌های فردی است. نسل‌های جدید، انجام دادن کاری را به خاطر برچسب نخوردن از سوی دیگران، یا قضاوت آنها نمی‌پذیرند و رضایت خود از خود را به رضایت جمع ترجیح می‌دهند. رسوم ازدواج در نگرش نسل‌های جدید مورد پذیرش نیست. آنها به حقوق و مسئولیت برابر در همه بخش‌های زندگی اعتقاد دارند و اینکه منابع مالی را مطابق نظر و علاقه شخصی هزینه نمایند، نه بر اساس عرف و خواسته‌های دیگران.

- همه مادر پدر فرشته نیستن، احترام به همه والدین واجب نیست. جامعه ما پر شده از والد سمی که آدمای بالغ پر از سرکوب و عقده دارن تحویل جامعه میدن.

- از اینکه واسه یه بیرون رفتن ساده یکم دیروقت مجبورم بیچونم، دروغ بگم، بدم میاد. ژئوپلتیک تک‌فرزند دختر.

- خانواده سختگیر اینجوریه که دوستاتو از دست می‌دی، چون نمی‌تونن باهاشون وقت بگذرونن یا مسافرت برن. شغل خوبی نمی‌تونن داشته باشن، چون محدودیت باعث می‌شه مهارت خاصی نداشته باشن. کل زندگیت رفت، چون نخواستن زندگیت کنی.

جدول ۴- مقوله سنت

مفاهیم کلیدی	تعداد توئیت	خرده- مقوله	مقوله اصلی
دخالت خانواده در ساحت‌های مختلف زندگی، آبروداری، گرفتن آزادی نظر و عمل و محدود کردن قدرت انتخاب.	۷۶	کنترلگری خانواده	سنت
فشار هنجاری، الزام اجتماعی، رسوم خواستگاری، عقد، ازدواج و دخالت خانواده در رابطه زوجین قبل و بعد از ازدواج، هزینه‌های سنگین مراسم	۶۲	رسوم ازدواج	
سخت‌گیری خانواده، اجتماع و سنت نسبت به زنان و دختران و تبعیض با پسران، کنترل بیشتر ارتباطات اجتماعی و رابطه آنها با جنس مخالف، محدودیت بیشتر برای دختران در استقلال و آزادی انتخاب	۳۲	حقوق زن	

نتیجه‌گیری

نتایج تحلیل و بررسی توئیت‌ها با نظریه‌های متأخر جامعه‌شناسی و مطالعات خانواده همسو است. فردگرایی به عنوان مهم‌ترین شاخص در دنیای امروز، در این پژوهش، بالاترین توجه را به خود داشته است. در این بینش، همه اقدامات فرد از جمله رابطه و ازدواج او، در کنار حفظ فردیت انسان تعریف می‌شود. در جهان امروز، ازدواج، دیگر امری طبیعی نیست که وقتی افراد به سن مناسب (در نظر عرف و هنجار) رسیدند، برای آن اقدام کنند؛ یا دیگر یک امر اجتماعی نیست که مشمول «باید» شود و تحت نظارت والدین، جامعه یا فشار اجتماعی باشد. ازدواج در دنیای امروز، شکلی از رابطه است و برخلاف گذشته که پیوند عمیقی با ازدواج داشت، دیگر «ازدواج» نمی‌تواند به تنهایی تمام پیوندهای عاطفی و هم‌زیستی‌ها را پوشش دهد و به کار بستن کلمه «رابطه» به جای «ازدواج» می‌تواند جامع‌تر باشد. ضمن آنکه امروزه «رابطه خوب» در گرو توسعه فردی و داشتن مهارت‌های ارتباطی است و یک پروژه است که باید برای انجام آن، استراتژی و برنامه داشت.

با توجه به نتایج این پژوهش و با کنار هم قرار دادن آن با دیگر پژوهش‌های این حوزه می‌توان استنباط کرد که در موضوع ازدواج، هرچند با تأخیر، جامعه ایرانی نیز همچون سایر نقاط جهان در مسیر تغییر نگرش‌ها و به تبع آن، تغییر الگوهای رفتاری قرار گرفته است و دیگر «ازدواج رسمی ثبت‌شده» تنها راه هم‌زیستی زوج‌ها نیست؛ موضوعی که باومن، آن را به ویژگی‌های دنیای پست‌مدرن نسبت می‌دهد؛ دنیایی که غلبه ارزش‌های مبتنی بر سود فردی، آزادی، رهایی از تعهد، لذت‌گرایی و خارج شدن امر جنسی از بستر ازدواج رسمی، از ویژگی‌های آن است و سوق‌دهنده افراد به سمت زندگی مبتنی بر عدم تعهد و دعوت‌کننده به گزینه‌هایی است که پیوند و گسست در آن راحت و بی‌دردسر باشد. باومن معتقد است که مدرنیته، جهان «جامد»، سکون و ابرروایت‌ها و یکسان‌سازی بوده، پست‌مدرن، جهان «سیال» است. در جهان ابرروایت‌ها، ازدواج تنها در یک شکل واحد تک‌همسری و تا پایان عمر و متعهدانه تعریف شده بود؛ اما در جهان سیال پست‌مدرن، روایت‌ها و خوانش‌های متکثر، ازدواج‌های کوتاه‌مدت، کم‌مسئولیت‌تر و غیر متعهدانه‌تر را رقم می‌زند. حفظ استقلال و قدرت انتخاب از

ویژگی‌های دیگری است که با هویت انسان پست‌مدرن گره خورده و حفظ «خود»، مهم‌ترین اولویت او شده است. وی معتقد است که امروز نمی‌توان از «رابطه» سخن گفت؛ چون «رابطه، خویشاوندی یا شراکت، تعهدآور است و اینها نقطه مقابل آزادی و فردگرایی انسان پست‌مدرن هستند. از این‌رو «شبکه» را انتخاب می‌کنند؛ زیرا در شبکه، پیوستن و گسستن، گزینه‌هایی به یک اندازه مشروعند و شأن و منزلت و اهمیت یکسانی دارند. معنایی ندارد که بپرسیم کدام‌یک از این دو، فعالیت مکمل «ذات» یا «جوهر» شبکه است. «شبکه» حاکی از لحظات «در تماس بودن» و دوره‌های پرسه‌زنی آزادانه همزمان است. در شبکه، پیوندها به محض درخواست برقرار می‌شود و به میل و دلخواه خود می‌توانند گسسته شوند» (باومن، ۱۳۸۴: ۱۶).

پژوهش‌های پیشین نیز این تغییر نگرش را تأیید کرده‌اند. کیانپور و همکاران (۱۴۰۲)، مسئله حفظ فردیت، نگاه آرمان‌گرایانه به ازدواج، تمکن مالی و ارجحیت نظر خود بر مصلحت جمع را از عناصر مهم در نگرش افراد به ازدواج عنوان می‌کند. یافته‌های این مطالعه همسو با شهانواز و اعظم‌زاده (۱۳۹۸) است. آنها در مقاله «شناسایی و تحلیل پیشران‌های مؤثر بر مجرد در ایران»، نوزده پیشران را مشخص کردند که اولین عامل را در «استقلال مالی و هویتی زنان» دانسته‌اند. این عامل با مقوله فردگرایی در این پژوهش و خرده‌مقوله حفظ حقوق فردی، ارتباط مستقیم دارد. عامل دوم و سوم، «بدیل‌های هویتی برای ازدواج و بدیل‌های عاطفی و جنسی برای ازدواج» بوده‌اند. موضوعی که در این پژوهش با عنوان «روابط سیال» از آن یاد شده است. «نگاه مادی‌گرایانه به ازدواج» نیز نشان از ارزش اجتماعی پول دارد که در این پژوهش با عنوان «پول‌داری» مشخص شده است و «ساختارهای اجتماعی محدودیت‌زا برای ارتباط معقول بین زن و مرد» نیز اشاره به محدود شدن آزادی افراد با حضور سنت و عرف دارد و «هزینه‌های بالای شروع زندگی» که با مقوله «اقتصاد» پیوند می‌خورد.

همچنین نتایج پژوهش تایید کننده مطالعه شعبانی و همکاران (۱۴۰۰) است. آنها دریافته‌اند که «در ازدواج مدرن و آشنایی زوجین پیش از ازدواج، زوجین آنقدری که به عشق قبل از ازدواج اهمیت می‌دهند، بعد از ازدواج، هیچ اهمیتی به آن نمی‌دهند. در

حالی که آدم‌ها برای ادامه زندگی‌شان، بیشتر به عشق نیاز دارند تا شروع زندگی» (شعبانی و دیگران، ۱۴۰۰: ۲۶۵). این موضوع با مقولهٔ مهارت‌های زندگی در این پژوهش نزدیک است. آموزش‌هایی که باید افراد برای ایجاد، حفظ و بقای رابطه و ازدواج دیده باشند. در تأیید مقوله مهارت‌های زندگی می‌توان به پژوهش هاشمی گلمهر و همکارانش (۱۳۹۹) اشاره کرد. آنها در این پژوهش، عوامل مؤثر بر ازدواج موفق از دیدگاه زوج‌ها را «احساس آزادی، پذیرش تفاوت‌های شخصیتی، درک متقابل و گفت‌وگوی باز و بی‌پرده» عنوان کرده است.

احمدی (۱۳۹۹) در پژوهش جامعش درباره ازدواج سفید در ایران، در مدل مفهومی‌ای که برای ازدواج سفید در ایران طراحی کرده، پدیده محوری را «تغییرات ارزشی و هنجاری در سبک زندگی جوانان» و «بی‌اعتقادی به ازدواج رسمی» و کنش راهبردی را «تعدد و ناپایداری در روابط» ذکر کرده است. او پیامد این نوع کنش‌ها را «رنگ باختن کلیشه‌های جنسیتی، آزادی انتخاب، بی‌میلی به ازدواج رسمی، طرد اجتماعی و فقدان حمایت و ترس از پیگرد» عنوان می‌کند. همچنین این نوع نگرش را می‌توان در داده‌های مرکز آمار ایران از آمار ازدواج دید که در سال ۱۴۰۱ نسبت به سال ۱۳۹۵، بیش از ۲۵ درصد کاهش و آمار طلاق نیز بیش از ۱۲ درصد افزایش داشته است. از سوی دیگر پیمایش ملی ایرانیان در سال ۹۸ نشان می‌دهد که تنها ۲۹ درصد از پاسخگویان با عبارت «ازدواج یک پیوند و تعهد همیشگی و تا آخر عمر است» کاملاً موافق بوده‌اند و این امر، نکته قابل توجهی را درباره نگرش نسل‌های جدیدتر نسبت به ازدواج نشان می‌دهد. البته کم شدن ازدواج به معنای کم شدن میل به رابطه عاطفی و جنسی نیست، بلکه افراد در اشکالی دیگر و رها از عرف و سنت و قانون و شرع در قالب روابط سیال به دنبال تأمین خواسته‌هایشان هستند.

نتایج پیمایش ملی خانواده در سال ۹۸ هم این نگرش را با ارقام تأیید می‌کند: در جواب عبارت «رابطه دوستی دختر و پسر قبل از ازدواج اشکال ندارد» در رده سنی ۱۵ تا ۲۹ سال، ۴۲ درصد، در رده سنی ۳۰ تا ۴۹ سال، ۳۲ درصد و در رده سنی ۵۰ سال به بالا، ۲۶ درصد کاملاً موافق و موافق بوده‌اند (پیمایش ملی خانواده، ۱۳۹۹: ۶۴ و ۶۹). در

پرسشی دیگر در همین پیمایش آمده است: «زندگی دختر و پسر بدون ازدواج رسمی (قانونی)، اشکال ندارد»، در رده سنی ۲۹-۱۵ سال، ۱۲.۵ درصد، در رده ۴۹-۳۰، رقم ۹.۴ درصد و در رده ۵۰ سال و بالاتر، ۶.۳ درصد از افراد کاملاً موافق و موافق بوده‌اند. این درصدها با توجه به بافت مذهبی و غیر قانونی بودن این روابط در ایران، نشان از باز شدن موضوع روابط خارج از ازدواج در جامعه ایرانی است. اما چون با شرع و سنت و قانون جمهوری اسلامی ایران مطابقت ندارد، نهادهای رسمی و دولتی، آن را به رسمیت نشناخته‌اند و آمار و اطلاعاتی قابل اتکا در این باره وجود ندارد و عموماً نادیده‌انگاری می‌شود. به نظر می‌رسد که باید در سطح کلان، این تغییرات شناخته شود و به جای انکار، برنامه‌ای مدون برای حفظ خانواده در اشکال متفاوت آن تدوین گردد، به شکلی که درباره آن، قوانین و ضمانت اجرایی تعریف شود تا حقوق افراد در اشکال جدید ازدواج رعایت گردد.

نکته قابل توجه اینجاست که این آزادی و فردیت، انسان‌ها را در موقعیتی مبهم قرار داده است که هم به دنبال حفظ آزادی و فردیت خویشند و هم خواستار پیوندهای عاطفی عمیق! ناامنی در روابط و ناپایداری آنها، بزرگترین بحران انسان امروز است. شاید باور به اینکه عشق و دوستی و رابطه، امری ذاتی است و ما غریزی آن را بلدیم، موجب شده که این امر در ظاهر سهل و در دسترس و در عمل، سخت و مأیوس‌کننده باشد. آلن دوباتن در کتاب‌های خود مدام بر اهمیت «مهارت برای حفظ ارتباط و ازدواج» تأکید می‌کند: «به‌طور قطع و یقین و با اطمینان می‌توان ادعا کرد که موضوع موفقیت در عشق، به هیچ عنوان و در هیچ زمانی به شانس بستگی نداشته و ندارد و مهم‌تر اینکه بدون کسب مهارت ارتباط درست، هیچ عشق و علاقه‌ای پایدار و مانا نیست» (دوباتن، ۱۳۹۸: ۶).

جالب است که مهارت‌های زندگی، مقوله‌ای است که از دستاوردهای بدیع این پژوهش است. توجه به آموزش «مهارت‌های زندگی» برای ایجاد، حفظ یا حتی پایان دادن به روابط، موضوعی است که در پژوهش‌های علمی جامعه‌شناسانه در حوزه ازدواج، کمتر دیده می‌شود. مهارت‌های زندگی به عنوان یک مفهوم گسترده در جامعه‌شناسی آموزش و پرورش مطرح است. آلبرت باندورا^۱ به بررسی مهارت‌های زندگی و اثربخشی آنها

در کاهش رفتارهای نامطلوب و افزایش رفتارهای مطلوب پرداخته است. رابرت هافمن^۱ به بررسی مهارت‌های زندگی و نقش آنها در توسعه فردی و اجتماعی مردمان پرداخته است. رالف تایلور^۲ نیز به بررسی روش‌های آموزش و پرورش و نقش آنها در توسعه مهارت‌های زندگی در جامعه پرداخته است. مهارت‌های زندگی شامل توانایی‌های مختلفی است که فرد برای زندگی موفق و خوب به آنها نیاز دارد که شامل موارد زیر است:

۱. مهارت‌های ارتباطی: توانایی برقراری ارتباط مؤثر با دیگران، ارائه نظرها و دیدگاه‌های خود به صورت صحیح و جراتمندانه، هنر شنیدن و توانایی همدلی و درک دیگران و پذیرش و تفکر نقاد داشتن درباره نظرهای مخالف.
۲. مهارت‌های خودآگاهی: شناخت لایه‌های شخصیتی و آگاهی از شرایط و موقعیت‌های بروز احساسات مختلف در خود، شناخت نقاط قوت و ضعف، تمرین افزایش اعتماد به نفس و افزایش عزت نفس.

۳. مهارت‌های توسعه فردی: کنترل خشم و استرس، مدیریت زمان، برنامه‌ریزی و... مطابق پژوهش موجود، بسیاری از مطالبات زوجین از هم و علل نارضایتی از یکدیگر، به مقوله مهارت‌های زندگی برمی‌گردد و برنامه‌ریزی برای آموزش در این حوزه می‌تواند بسیار اثربخش و کارگشا باشد. افراد ازدواج می‌کنند تا روابط خوبی را تجربه کنند، اما ساختن روابط مطلوب و تداوم آن نیازمند آموزش است. رابطه خوب، رابطه‌ای برابر است که طرفین، حقوق و تعهدات برابر دارند.

شایان ذکر است که در این نقطه نیز تناقضی وجود دارد؛ هرچه توجه افراد به آموزش مهارت‌های زندگی و باور آنان به آموزش، بالاتر می‌رود، همزمان در عمل، همجواری مجازی نیز بالاتر می‌رود. حقیقت آن است که زیست در فضای مجازی، فرصت زندگی در واقعیت و کسب تجربه‌های زیسته را برای انسان‌ها کمتر کرده، رفاقت‌های مجازی، بستر مناسبی برای روابط کوتاه‌مدت و خالی از تعهد ایجاد کرده‌اند. در حالی که هرچه انسان به تنوع مجازی همجواری بیشتر عادت کند، وقت کمتری را به یادگیری و به‌کارگیری مهارت‌های لازم برای همجواری غیر مجازی اختصاص می‌دهد. در این بستر، چنین مهارت‌هایی از یاد می‌روند و یادگیری آنها هرگز در اولویت قرار

- نمی‌گیرد، از آنها دوری می‌کنند و در بهترین حالت با بی‌میلی به آنها روی می‌آورند.
در پایان با توجه به نتایج یادشده پیشنهاد می‌شود:
- برای آموزش مهارت‌های زندگی به افراد، بسترهای خلاق و تعاملی تعریف و ایجاد شود.
 - برای اشکال جدید ازدواج (ازدواج سفید/ همباشی و...)، چارچوب‌های قانونی تعریف گردد.

منابع

- احمدی، کامیل (۱۳۹۹) خانه‌ای با در باز (پژوهشی جامع درباب ازدواج سفید در ایران)، لندن، مه‌ری. انگلس، فردریک (۱۳۹۷) منشأ خانواده، مالکیت خصوصی و دولت، ترجمه خسرو پارسا، تهران، طلایه پرسو.
- افشانی، علیرضا و جلال ایرانی‌زاده و حسن زارعی محمود آبادی و سعید وزیری (۱۳۹۸) کشف الگوی تحکیم خانواده براساس نظریه لازاروس در زوجین شهر یزد (یک مطالعه کیفی) دوماهنامه طلوع بهداشت شماره ۵، دوره ۱۸.
- اکبرزاده، فاطمه و سیدعلی هاشمیان‌فر (۱۳۹۹) بررسی تجربه زیسته عشق در ازدواج سفید، فصلنامه توسعه اجتماعی، دوره ۱۷، شماره ۱، صص ۲۵-۶۸.
- امیدوار، پوران (۱۳۹۸) پایان‌نامه دکتری مطالعه جامعه‌شناختی پدیده همباشی، مرکز تحصیلات تکمیلی، گروه علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- ایمان، محمدتقی و محمودرضا نوشادی (۱۳۹۰) تحلیل محتوای کیفی، پژوهش سال سوم پاییز و زمستان، صص ۱۵-۴۴.
- باومن، زیگمونت (۱۳۸۴) عشق سیال، در باب ناپایداری پیوندهای انسانی، ترجمه عرفان ثابتی، تهران، ققنوس.
- برناردز، جان (۱۳۸۴) درآمدی به مطالعات خانواده، ترجمه حسین قاضیان، تهران، نشرنی.
- بوردیو، پی‌یر (۱۳۹۵) تمایز: نقد اجتماعی قضاوت‌های ذوقی، ترجمه حسن چاوشیان، تهران، ثالث.
- پیمایش ملی خانواده (۱۳۹۹) جهاد دانشگاهی واحد استان البرز.
- دوباتن، آلن (۱۳۹۸) رابطه‌ها، ترجمه محمدباقر اسماعیل‌پور و فرناز گنجی، تهران، جامی.
- رحیمی، ماریا و محمد رضایی (۱۳۹۶) «مطالعه سیر تحول صمیمیت و روابط شخصی در خانواده ایرانی»، مجله مطالعات زن و خانواده، دوره پنجم، شماره ۱، بهار و تابستان، صص ۵۳-۷۷.
- ساروخانی، باقر (۱۳۹۸) مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده، تهران، سروش.
- شعبانی، الهه و دیگران (۱۴۰۰) «تغییرات الگوی ازدواج و تأثیر آن بر طلاق قطعی»، مجله سبک زندگی اسلامی با محوریت سلامت، دوره پنجم، شماره ۴، زمستان، صص ۲۶۵-۲۷۶.
- شهانواز، سارا و منصوره اعظم‌زاده (۱۳۹۸) «شناسایی و تحلیل پیشران‌های مؤثر بر مجرد در ایران»، فصلنامه مسائل اجتماعی ایران، سال دهم، شماره ۲، پاییز و زمستان، صص ۱۵۷-۱۹۱.
- کیان‌پور، سعید و دیگران (۱۴۰۲) «عوامل مرتبط با گرایش جوانان به مجرد (مورد مطالعه: استان همدان)»، فصلنامه پژوهش انحرافات و مسائل اجتماعی، شماره هفتم، بهار، صص ۱۳۵-۱۶۸.
- گیدنز، آنتونی و فیلیپ ساتن (۱۳۹۴) جامعه‌شناسی، ترجمه حسن چاوشیان، تهران، نشرنی.
- هاشمی گل‌مهر، مجید و دیگران (۱۳۹۷) «ارائه الگوی ازدواج موفق»، فصلنامه پژوهش‌های مشاوره

ایران، شماره ۷۶، زمستان، صص ۱۴۱-۱۷۱.

هوپی‌نینگ، یوهانس و دیرک کونیتسکا (۱۳۹۸) مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده، ترجمه محمد مظلوم خراسانی، مشهد، آوای حکمت و ترانه.
یمینی بیدار، محمد و عبدالرضا باقری بنجار (۱۳۹۸) تحلیل بازنمایی بدن با تأکید بر مدیریت بدن در بین کاربران ایرانی اینستاگرام، فصلنامه علوم خبری، دوره ۸، شماره ۴، صص ۹۱-۱۲۲.

- Angela Anarfi Gyasi-Gyamerah, Christabel Quansahp, [...] (2023) Is cohabitation a prerequisite for marriage?: Exploring Ghanaian emerging adults' attitudes and intentions Volume 40, Issue 12 ,<https://doi.org/10.1177/02654075231202>
- Cheolwoo Park and Victor W. HarrisView all authors and affiliations. (2023) The Impact of Attachment Styles on Attitudes Toward Marriage: The Mediating Role of Emotional Intimacy. Volume 31, Issue 2 <https://doi.org/10.1177/10664807221124271>.
- Keera Allendorf, Linda Young-DeMarco, Arland Thornton (2023) Developmental Idealism and a Half-Century of Family Attitude Trends in the United States *Sociology of Development* (2023) 9 (1): 1–32. <https://doi.org/10.1525/sod.2022.0003>.
- E. V. Grigoryeva, N. R. Khakimova (2021) Specific Features of the Generation Z Family Values System, January 2021, *Bulletin of Kemerovo State University* 22 (4):982-991, DOI:10.21603/2078-8975-2020-22-4-982-991.
- J. DeFrain, (2018) The state of the American family: The paradox of how families and family values are changing while staying the same, December 2018 *RUDN Journal of Sociology* 18 (1):73-87. DOI:10.22363/2313-2272-2018-18-1-73-87, LicenseCC BY 4.0.
- Irina Aleksandrovna Zaitseva, Olga Anatolyevna Lavrishcheva, Elena Alexandrovna Ocheretko (2021) Transformation of marriage and family values in modern russian society, August 2021, DOI:10.24115/S2446-62202021731294p.258-271, License, CC BY-NC-SA 4.0.